

بررسی مقارنه‌ای دیدگاه مفسران و فقیهان امامیه و اهل سنت در تفسیر آیه ۱۸۷ سوره بقره

سیدجعفر صادقی فدکی^۱
رضا مهدیان فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

چکیده

قرآن کریم در آیه ۱۸۷ بقره، مقاربت با همسران و حدوث جنابت را در شب‌های ماه رمضان بر مکلفان مباح شمرده است؛ اما در اینکه بقای بر جنابت تا طلوع فجر جایز است یا خیر، در میان مفسران و فقیهان امامیه و اهل سنت، دو دیدگاه عمده وجود دارد. عموم مفسران و فقیهان اهل سنت و برخی مفسران و فقیهان امامیه با استناد به اطلاق آیه و امر به مباشرت در آن تا طلوع فجر و برخی روایات، بقای بر جنابت را تا طلوع فجر جایز شمرده‌اند. در مقابل، مشهور مفسران و فقیهان امامیه با استناد به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بقای بر جنابت تا طلوع فجر را بر مکلف حرام و این عمل را باطل کننده روزه دانسته‌اند. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بیان دو دیدگاه مفسران و فقیهان شیعه و اهل سنت درباره آیه یادشده، دیدگاه دوم، نظریه صحیح قلمداد شده است و ضمن نقد دلایل دیدگاه نخست، این دیدگاه با استناد به شواهدی از متن آیه و روایاتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام تقویت گردیده است و با دلایل یادشده ثابت شده است که باقی ماندن بر جنابت تا طلوع فجر حرام و باطل کننده روزه است. از این رو بر مکلف واجب است قبل از طلوع فجر غسل کند. واژگان کلیدی: صیام، رفت، بقای بر جنابت، طلوع فجر، مفسران فریقین، فقهای فریقین، آیه ۱۸۷ بقره.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. j.sadeqi@isca.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، «نویسنده مسئول». Rezamahtab52@yahoo.com

مقدمه

روزه ماه رمضان یکی از تکالیفی است که خداوند متعال بر مسلمانان همانند امت‌های پیشین واجب کرده است، از جمله احکام و قوانین الهی روزه در میان امت‌های پیشین آن بود که با آغاز ایام روزه، مقاربت با همسران هم در شب و هم در روز بر آنان حرام بود. این حکم تا مدتی در میان مسلمانان نیز جاری بود، لیکن بر اثر انجام عمل یادشده از سوی برخی مسلمانان و ارتکاب گناه از سوی آنان، خداوند بر امت اسلامی منت نهاد و با نزول آیه ۱۸۷ بقره در این باره، مقاربت با همسران در شب‌های ماه رمضان بر مسلمانان مباح گردید، اما حرمت مقاربت با همسران در روزهای این ایام بر مکلفان به قوت خود باقی ماند: «أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»؛ «همبستری با زنانتان در شب ماه رمضان بر شما حلال شد. آن‌ها پوشش شمایند و شما پوشش آن‌هاید. خدا می‌داندست که شما به خویشتن خیانت می‌ورزید، پس توبه شما را پذیرفت و شما را عفو کرد. اکنون با آن‌ها همبستر شوید و آنچه را که خدا بر شما مقرر گردانیده است انجام دهید و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود. سپس روزه را کامل کنید تا شب». (حر عاملی، ۱۴۱۴:ق: ۱۱۴/۱۰؛ بخاری، ۱۴۰۱:ق: ۱۵۶/۵) طبق نقلی دیگر خوردن و آشامیدن و مقاربت با همسران در شب‌های ماه رمضان جایز بود، اما در صورت خوابیدن روزه‌دار پس از اذان مغرب، این اعمال بر وی حرام می‌شد، ولی با نزول آیه یادشده بر مکلفان مباح گردید. (طبری، ۱۴۱۵:ق: ۲۲۳/۲؛ سیوطی، بی تا: ۱۹۷/۱) مفسران و فقیهان شیعه و اهل سنت درباره اطلاق داشتن آیه یادشده نسبت به مقاربت در شب‌های ماه رمضان و این که جمله «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» افزون بر غایت بودن برای حکم خوردن و آشامیدن در جمله: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا»، آیا غایت برای حکم مقاربت در جمله: «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» نیز هست تا براساس دو امر یادشده، مقاربت تا طلوع فجر و بقای بر جنابت تا این زمان بر مکلفان جایز باشد، اختلاف نظر دارند. مفسران و فقیهان اهل سنت و شماری از فقیهان امامیه با پذیرفتن اطلاق آیه و غایت بودن جمله «حَتَّى يَتَبَيَّنَ...» برای حکم مباشرت در آیه، مقاربت با همسران تا طلوع فجر و بقای بر جنابت را تا زمان یادشده بر مکلفان جایز شمرده‌اند. اما در

مقابل، مشهور مفسران و فقیهان امامیه، اطلاق آیه نسبت به مباشرت با همسران و غایت بودن جمله یادشده را برای حکم مباشرت نپذیرفته و با استشهاد به ادله‌ای دیگر بر آنند که مکلفان نمی‌توانند تا طلوع فجر بر جنابت خود باقی بمانند.

مفسران شیعه و اهل سنت این موضوع را ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره در تفاسیر و فقیهان فریقین آن را در بحث مفطرات روزه در منابع فقهی مورد بحث قرار داده‌اند. برخی پژوهشگران نیز در ضمن مقالاتی در موضوع کلی مفطرات روزه، به اختصار به این موضوع اشاره کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله همایشی: «مبطلات روزه از دیدگاه مذاهب اسلامی» نوشته حسن ایازپور (۱۳۹۵) که به صورت کلی به باطل کننده‌های روزه اشاره کرده، هر چند متن آن نیز منتشر نشده است و مقاله همایشی: «مبطلات روزه از دیدگاه فریقین» نوشته حسین خرم‌دل (۱۳۹۵) اشاره کرد که تنها تفاوت آن با مقاله پیشین در واژه فریقین است؛ لیکن به رغم جستجو، پژوهشی مستقل اعم از کتاب یا مقاله در این موضوع یافت نشد، از این رو پرداختن مستقل و تطبیقی به موضوع یادشده همراه با نقد تفصیلی دلایل دیدگاه مخالف، از نوآوری‌های این پژوهش نسبت به دیگر تألیفات به شمار می‌رود. چنان که بررسی دیدگاه‌های تفسیری مفسران شیعه و اهل سنت در این موضوع، وجه تمایز دیگر تحقیق حاضر نسبت به تحقیقات پیشین است که تنها از منظر فقهی موضوع را بررسی کرده‌اند. همچنین در این پژوهش، دیدگاه موافق با روایتی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قرائنی از آیات قرآن نیز تأیید و تقویت شده است که به این دو در منابع دیگر پرداخته نشده است.

پرداختن به این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که از یک سو این مباحث مورد ابتلای مکلفان در میان همه فرقه‌های اسلامی است، از این رو طرح آن در مقاله‌ای مستقل سبب می‌گردد تا مکلفان ضمن آشنایی با دیدگاه‌های موافق و مخالف در تفسیر آیه یادشده، به گونه استدلالی با وظایفشان در این مسئله آشنا شوند. از سوی دیگر، چون محور و دلیل اصلی دیدگاه مخالف در این موضوع، آیات قرآن است و آیه مورد استناد نیز در نگاه اولیه ظهور در دیدگاه یادشده دارد، از این رو ضرورت دارد تا با بررسی دقیق آیه یادشده و تفسیر آن با توجه به نظر مفسران مذاهب مختلف و روایات منقول از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در این باره، تفسیر صحیح این آیه و دیدگاه حق تبیین گردد تا شبهه مخالفت رأی مشهور فقیهان امامیه با قرآن در این موضوع برطرف شود. جهت سوم

ضرورت پرداختن به این موضوع حفظ شأن رسول خدا ﷺ و جایگاه منصب نبوت است، زیرا رأی مشهور فقیهان اهل سنت در این باره و استناد آنان به سیره پیامبر، با شأن آن حضرت و جایگاه منصب نبوت تنافی دارد، ولی با اثبات دیدگاه برگزیده، این شأن و جایگاه حفظ می‌گردد. براین اساس، برخی پرسش‌ها همچون: آیا از آیه ۱۸۷ بقره جواز مقاربت با همسر در طول شب (از اذان مغرب تا اذان صبح) برداشت می‌شود یا نه؟ در نتیجه بقای بر جنابت تا اذان صبح مبطل روزه است یا نه؟ مهم‌ترین سؤالاتی هستند که این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به آنهاست. لیکن قبل از پرداختن به دو دیدگاه یادشده و ارائه دیدگاه برگزیده، لازم است برخی واژگان و اصطلاحات بحث که در فهم این موضوع نقش اساسی دارند تعریف و تبیین گردد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. «صیام»: از ریشه «صوم»، در لغت به معنای مطلق امساک است، اعم از این که در خوردن، سخن گفتن و یا راه رفتن باشد. (فراهیدی، ۱۴۲۷ق: ۱۷۱/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۱) و در اصطلاح به معنای پرهیز از خوردن و آشامیدن و دیگر مفطرات از طلوع صبح تا غروب با نیت است (حلی، ۱۴۱۴ق: ۵/۶) و به گفته برخی همراه با نیت خاص است، (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۶/۲) برخی دیگر آن را به خودداری کردن از کارهایی ویژه در زمان مخصوص تعریف کرده‌اند. (ابن‌قدمه، بی‌تا: ۲/۳)

۲-۱. «رفث»: رفث در لغت به ذکر سخنان شرم‌آور، گفتار و کردارهای جنسی میان زن و مرد و فحش آمده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۱/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق: ۱۵۳/۲) و در اصطلاح به معنای جماع و آمیزش است. (فتح‌الله، ۱۴۱۵ق: ۲۱۰؛ شاهرودی، ۱۳۹۲ش: ۱۲۰/۴)

۳-۱. «جنابت»: جنابت در لغت به معنای جهت، کنار، کنار آمدن و دوری کردن آمده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۸۳/۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق: ۲۷۵/۱) و در اصطلاح به حالت ناپاکی یا نجاست معنوی عارض بر انسان به سبب مقاربت جنسی یا احتلام و یا اسبابی دیگر گفته می‌شود. (قلعجی، ۱۴۰۸ق: ۱۶۷؛ شاهرودی، ۱۳۹۲ش: ۱۱۷/۳)

۴-۱. «فجر»: در لغت به معنای مطلق شکاف در چیزی و یا شکافتن وسیع آمده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۷۵/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۶۲۵) و در اصطلاح به روشنائی و سپیده صبح اطلاق شده (فتح‌الله، ۱۴۱۵ق: ۳۱۵؛ قلعجی، ۱۴۰۸ق: ۳۳۹) و به دو قسم فجر صادق و

کاذب تقسیم شده است. فجر صادق یا فجر دوم، به سپیده گسترده شده و امتداد یافته در افق اطلاق می‌شود که به طلوع خورشید و روز منتهی می‌شود و فجر کاذب یا فجر اول، به سپیده باریک و کشیده شده در افق، پیش از فجر صادق اطلاق می‌شود که بسان ستونی رو به آسمان است و هر لحظه رو به نقصان و محو شدن پیش می‌رود. (قلعجی، ۱۴۰۸ق: ۳۳۹؛ شاهرودی، ۱۳۹۲ش: ۶۵۷/۵) منظور از فجر در این پژوهش، فجر دوم (صادق) یعنی هنگام اذان صبح است.

۲. دیدگاه‌های مطرح در تفسیر آیه ۱۸۷ بقره

قرآن کریم در آیه ۱۸۷ سوره بقره، زناشویی با همسران را در شب‌های ماه رمضان بر مسلمانان مباح شمرده است: «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ» و در ادامه آیه، از اباحه مباشرت با همسران و خوردن و آشامیدن در شب‌های یاد شده تا طلوع فجر سخن به میان آورده است: «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» اما در اینکه آیا حکم برداشت شده از آیه جواز مقاربت در تمام اجزای شب تا طلوع فجر است، تا براساس آن، بقای بر جنابت و تأخیر غسل تا سپیده صبح از سوی شخص روزه‌دار جایز باشد و یا حکم یاد شده شامل همه اجزای شب نمی‌شود و مکلفان وظیفه دارند پس از حصول جنابت در این شب‌ها، غسل کرده و روزه خود را با طهارت و پاکی آغاز و به پایان رسانند. دو دیدگاه عمده میان مفسران و فقیهان شیعه و اهل سنت بر پایه آیه یاد شده مطرح است که در ذیل به دو دیدگاه یاد شده و دلایل هر یک از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. دیدگاه اول: جواز بقاء عمدی بر جنابت تا طلوع فجر

دیدگاه نخست که به عموم مفسران و فقیهان اهل سنت و برخی فقیهان امامیه اختصاص دارد آن است که مکلف می‌تواند در همه اجزای شب با همسر خویش مقاربت کند، از این رو بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر بر مکلفان جایز است.

از جمله مفسران و فقیهان یاد شده، فخر رازی از مفسران شافعیه است که از آیه: «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ» جواز مقاربت با همسران را در تمام اجزای شب‌های ماه

رمضان برداشت کرده است. (فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ۱۱۵/۵) نووی نیز از فقیهان شافعیه است که معتقد است در صدر اسلام خوردن و آشامیدن و جماع از هنگامی که روزه‌دار می‌خواهد یا نماز عشاء را به جا می‌آورد حرام بود، سپس تحریم یادشده نسخ شد و همه این اعمال تا طلوع فجر بر روزه‌دار مباح گردید. (نووی، بی‌تا: ۲۵۰/۶)

جصاص از مفسران حنفیه نیز در تفسیر آیات الاحکام خود با اشاره به این آیه از اباحه خوردن و آشامیدن و مقاربت روزه‌دار در شب‌های ماه رمضان تا هنگامی که یقین به طلوع فجر پیدا کند سخن به میان آورده است. (جصاص، ۱۴۱۵ق: ۲۸۱/۱) ابی بکر کاشانی از فقیهان حنفیه نیز با استناد به این آیه، از حرمت روزه در شب‌های ماه رمضان و جواز مقاربت با همسران و خوردن و آشامیدن در شب‌ها تا طلوع فجر یاد کرده است. (کاشانی، ۱۴۰۹ق: ۷۷/۲)

قرطبی از مفسران و فقیهان مالکیه نیز در تفسیر این آیه بقای بر جنابت تا طلوع فجر را دیدگاه جمهور علمای اهل سنت دانسته و سپس بر صحت این دیدگاه اذعان کرده است. (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۳۲۵/۲-۳۲۶) ازهری از فقیهان این مذهب نیز روزه شخص جنب در ماه رمضان که پس از طلوع فجر غسل کند را صحیح دانسته است، چه روزه وی واجب یا مستحب باشد و چه با احتلام یا آمیزش و روشی دیگر جنب شده باشد و خواه پیش از صبح امکان غسل کردن داشته یا نداشته باشد. (الآبی ازهری، بی‌تا: ۳۰۳)

ابن قدامه از فقیهان حنبلیه نیز تأخیر انداختن غسل جنابت را بر روزه‌دار تا طلوع فجر جایز شمرده و این نظر را دیدگاه عموم اهل علم، از جمله علی رضی الله عنه و ابن مسعود و زید و ابودرداء و ابوذر و ابن عمر و ابن عباس و عایشه و ام سلمه و مالک و شافعی در اهل حجاز و ابوحنیفه و ... دانسته است. (ابن قدامه، بی‌تا: ۷۵/۳)

این دیدگاه از کلمات محقق اردبیلی از مفسران و فقهای امامیه در «زبدة البیان» نیز استفاده می‌شود، زیرا وی حکم یادشده را موافق با اصل و روایات صریح و ظاهر آیه دانسته و در پایان حکم مخالف را موافق با احتیاط شمرده است؛ (اردبیلی، بی‌تا: ۱۷۴) همچنین این نظریه به بعضی از فقهای شیعه از جمله شیخ صدوق در کتاب المقنع (صدوق، ۱۴۱۵ق: ۱۸۹) و علامه حلی در مختلف الشیعه (حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۷/۳) و میرمحمدباقر داماد در رساله «الرضاع» نسبت داده شده است. (ر.ک: بحرانی، بی‌تا: ۱۱۳/۱۳)

۲-۲. دیدگاه دوم: حرمت بقاء بر جنابت تا طلوع فجر

دیدگاه دوم در این باره آن است که آیه ۱۸۷ سوره بقره و روایات منقول مدعی یادشده را اثبات نمی‌کند، از این رو بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر بر مکلف جایز نیست و در صورت باقی ماندن بر جنابت تا این زمان، افزون بر ارتکاب عمل حرام، روزه او نیز باطل است. این قول به مشهور فقیهان شیعه نسبت داده شده است. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۶/۳-۴۰۷؛ طوسی، ۱۳۶۵ق: ۲۲۲/۲)

از جمله پیروان این دیدگاه از فقهای متقدم امامیه، شیخ طوسی است که بر روزه‌داری که عمداً بر جنابت تا طلوع فجر باقی بماند یا بعد از دو بار بیداری به خواب رود و تا طلوع فجر از خواب بیدار نشود هم قضا و هم کفاره را واجب دانسته است. (طوسی، ۱۳۶۵ق: ۴۲۲/۲)

محقق بحرانی (م. ۱۱۸۶ق) در کتاب الحدائق، آورده است که مشهور فقیهان امامیه بقای بر جنابت تا طلوع فجر را مبطل روزه دانسته و قضا و کفاره را بر شخص مکلف واجب دانسته‌اند و سپس از شیخ مفید، شیخ طوسی، علی بن بابویه، ابن جنید، سید مرتضی، سلار، ابوالصلاح، ابن ادریس و جمهور فقیهان متأخر به عنوان پیروان این نظریه یاد کرده است. (بحرانی، بی تا: ۱۱۲/۱۳-۱۱۳) صاحب جواهر (م. ۱۲۶۶ق) نیز در تأیید این دیدگاه، نظریه یادشده را دیدگاه مشهورتر میان فقیهان امامیه دانسته است که از شهرتی عظیم برخوردار بوده و نزدیک است به حد اجماع برسد. (نجفی، ۱۳۶۵ش: ۲۳۶/۱۶)

برخی از تابعان و فقیهان اهل سنت نیز روزه کسی که عمداً با جنابت تا طلوع فجر باقی بماند را باطل شمرده‌اند و برخی بطلان روزه را در این فرض، مشروط به علم مکلف به جنابت دانسته‌اند و برخی دیگر از آنان گفته‌اند: بقای عمدی بر جنابت در روزه واجب، باطل کننده روزه است؛ اما در روزه مستحبی مبطل نیست. (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۳۲۵/۲-۳۲۶؛ نووی، بی تا: ۳۰۷/۶-۳۰۸)

از میان دو دیدگاه یادشده، دیدگاه اخیر با مجموع آیات قرآن و روایات صحیح و منقول از اهل بیت علیهم السلام که مفسران واقعی قرآن کریم هستند همخوانی بیشتری داشته و دیدگاه برگزیده در این پژوهش نیز همین نظریه است، از این رو پس از بیان ادله دیدگاه نخست و نقد آن‌ها، ادله اثبات دیدگاه یادشده به تفصیل بیان خواهد شد.

۳. ادله جواز بقاء عمدی بر جنابت تا طلوع فجر

پیروان دیدگاه یادشده، برای اثبات این نظریه به دلایل ذیل استناد نموده‌اند.

۳-۱. آیه ۱۸۷ بقره

عمده‌ترین دلیل این نظریه و محور این بحث، آیه ۱۸۷ سوره بقره است که قرآن در این آیه از جواز مقاربت با همسران و خوردن و آشامیدن در شب‌های ماه رمضان سخن به میان آورده است: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ... فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ...».

بر پایه نظر پیروان این دیدگاه، دو فراز از آیه یادشده بر این نظریه دلالت دارد: فقره نخست، جمله «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» در آیه است که در آن به صراحت از حلیت مقاربت با همسران در شب‌های ماه رمضان سخن به میان آورده است و شب «لَيْلَةَ الصَّيَامِ» در آیه اطلاق دارد و همه اجزاء این شب‌ها از جمله جزء اخیر متصل به طلوع فجر را نیز شامل می‌شود. (جصاص، ۱۴۱۵ق: ۲۳۲/۱؛ شوکانی، ۱۹۳۷م: ۲۹۲/۴) به تعبیر دیگر، لازمه واجب بودن تقدیم غسل بر طلوع فجر آن است که مباشرت در جزء اخیر شب حرام باشد و این امر با اطلاق آیه یادشده منافات دارد (ر.ک: بحرانی، بی تا: ۱۱۷/۱۳؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۵۴/۶) بر این اساس، مکلف می‌تواند عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند.

فقره دوم، جملات: «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» در این آیه است که در آن مباشرت با همسر تا طلوع فجر مباح شمرده شده است، با این توضیح که جمله «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ...»، افزون بر این که غایت برای جملات: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا» شمرده می‌شود غایت برای جمله: «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» نیز به شمار می‌آید، از این رو مقاربت با همسر براساس صریح آیه یادشده تا طلوع فجر و در نتیجه بقای عمدی بر جنابت تا این زمان جایز خواهد بود (جصاص، ۱۴۱۵ق: ۲۳۲/۱؛ نووی، بی تا: ۳۳۳/۶؛ سرخسی، بی تا: ۵۶/۳)

۳-۲. سیره پیامبر ﷺ

دلیل دوم بر تأیید این مدعا سیره منقول از رسول خدا ﷺ است که سیره یادشده هم در

روایات اهل سنت و هم در برخی روایات منقول از طریق اهل بیت علیهم‌السلام گزارش شده است. از جمله روایات منقول از طریق اهل سنت روایت عایشه است که می‌گوید:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حالی وارد طلوع فجر می‌شد که به سبب مقاربت با اهل خویش جنب بود. سپس آن حضرت غسل کرده و روزه می‌گرفت». (بخاری، ۱۴۰۱: ۲/۲۳۲)

در حدیثی دیگر به نقل از ام سلمه آمده است:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جنابتی که بر اثر جماع بود و نه احتلام صبح می‌کرد و سپس روزه‌اش را نه افطار می‌کرد و نه قضای آن را به جا می‌آورد». (نیشابوری، بی تا: ۱۳۸/۳)

در منابع حدیثی امامیه نیز در روایتی از حماد بن عثمان آمده است:

«از امام صادق علیه‌السلام درباره حکم شخصی که در اول شب‌های ماه رمضان جنب شده، ولی غسل را تا طلوع فجر به تأخیر انداخته سؤال شد که امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همسران خود در ابتدای شب مقاربت می‌کرد، ولی غسل را تا بعد از طلوع فجر به تأخیر می‌انداخت و من همانند این افراد بی‌خیر نمی‌گویم که باید به جای آن یک روز را قضا کند. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰/۵۷-۵۸)

در روایتی دیگر از امام رضا علیه‌السلام نیز از حکم این مسئله سؤال شد، آن حضرت در پاسخ فرمود:

«ضرری به روزه‌اش وارد نمی‌شود و روزه‌اش را افطار نکند. سپس حضرت به سخن امام صادق علیه‌السلام در این باره استشهاد کردند که آن حضرت فرمود: عایشه گفته است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد صبح می‌شد، در حالی که به سبب مقاربت با همسران جنب شده بود». (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰/۵۹)

در این روایات از بقای بر جنابت از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شب‌های ماه رمضان تا طلوع فجر یاد شده است که سیره یادشده دلالت بر جواز مقاربت در همه اجزای شب و جواز بقای بر جنابت تا طلوع صبح دارد. (نووی، بی تا: ۳۰۳/۳؛ شوکانی، ۱۹۷۳: ۴/۲۹۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/۶۰۹)

۳-۳. روایات اهل بیت علیهم‌السلام

دلیل دیگر برای اثبات این ادعا روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام است. از جمله در روایتی آمده است: «از امام صادق علیه‌السلام در مورد مردی که در ماه رمضان در ابتدای شب جنب شده،

ولی غسل را تا طلوع فجر به تأخیر انداخته پرسیدم. حضرت فرمود: روزه‌اش کامل است و قضا بر او واجب نیست». (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۴/۲۱۰)

در حدیثی دیگر اسماعیل بن عیسی می‌گوید: «از امام رضا علیه السلام در مورد مردی که در ماه رمضان جنب شده و به عمد تا صبح خوابیده پرسیدم که آیا تکلیفی دارد؟ حضرت پاسخ داد: این عمل ضرری برای او ندارد و روزه‌اش را افطار نمی‌کند، همانا امام صادق علیه السلام فرمود: عایشه گفته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد صبح می‌شد، در حالی که به سبب مقاربت با همسران جنب شده بود». (همان)

در روایتی صحیح، شیخ صدوق گوید: «از امام صادق علیه السلام از مردی که در ماه رمضان می‌خوابد و محتلم می‌شود، سپس بیدار می‌شود و دوباره قبل از اینکه غسل کند می‌خوابد سؤال شد. حضرت فرمود: ایرادی ندارد». (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۰/۵۷)

در این روایات به صراحت مقاربت در شب‌های ماه رمضان و بقای بر جنابت تا طلوع فجر جایز شمرده شده است، از این رو مکلف می‌تواند به عمد و اختیار تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند و غسل جنابت را بعد از طلوع فجر انجام دهد. (ر.ک: حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۸/۳؛ بحرانی، بی تا: ۱۱۷/۱۳)

۴. بررسی و نقد ادله جواز بقاء عمدی بر جنابت تا طلوع فجر

دلایل یادشده، مدعی پیروان این نظریه را ثابت نمی‌کند و به دلایل ذیل می‌توان از آن‌ها پاسخ داد.

۱-۴. نقد استدلال به آیه ۱۸۷ بقره

استدلال به فقرات یادشده آیه ۱۸۷ سوره بقره برای اثبات این دیدگاه به دلایل ذیل ناتمام است. در پاسخ استدلال به فقره نخست آیه می‌توان گفت:
اولاً: آیه «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيِّمِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...» در صدد بیان حکم جواز مباشرت با همسر در تمام اجزای شب‌های ماه رمضان نبوده است تا آیه یادشده اطلاق داشته باشد تا با استناد به اطلاق آن مباشرت در همه اجزای شب بر مکلفان جایز باشد، بلکه در صدد بیان اصل حکم حلیت این عمل و رفع تحریم مقاربت در شب‌های ماه رمضان است، زیرا قبل از نزول آیه یادشده، مقاربت در شب‌های ماه رمضان بر مسلمانان حرام بود، از این رو آیه

یادشده نازل شد تا حرمت سابق را بردارد (آملی، ۱۳۸۱ق: ۱۲۸/۴) یا در صدد بیان اصل حلیت این عمل در شب‌ها در مقابل حرمت آن در روز است. (انصاری، ۱۴۱۳ق: ۳) ثانیاً: بر فرض پذیرش دلالت آیه بر موضوع مورد بحث، اطلاق آیه با روایات صحیح منقول از اهل بیت علیهم‌السلام که دلالت بر حرمت بقای بر جنابت و عدم تأخیر غسل تا طلوع فجر دارد تقیید می‌شود. (بحرانی، بی تا: ۱۱۹/۱۳؛ کاظمی، بی تا: ۳۴۴/۱)

پاسخ استدلال به فقره دوم آیه نیز آن است که غایت در جمله: «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» به جمله اخیر و متصل به آن یعنی جمله: «وَكُلُّوا وَأَشْرَبُوا» باز می‌گردد (سیوری، ۱۳۸۴ق: ۲۱۵/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۴۶۶/۹). چنان که نظر محققین از علمای اصول نیز همین است (سیوری، ۱۳۸۴ق: ۲۱۵/۱) و فاصله شدن جمله «وَأَبْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» میان حکم به مباشرت در جمله: «الآنَ بَاشِرُوهُمْ» و غایت یادشده نیز مؤید این نظر است. (کاظمی، بی تا: ۳۴۵/۱)

۲-۴. نقد استدلال به سیره

سیره منقول از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در این باره به دلایل ذیل قابل نقد است: اولاً: باقی ماندن بر جنابت به مدت طولانی و تا بعد از طلوع فجر به‌ویژه در شب‌های با فضیلت ماه مبارک رمضان و اجتناب از طهارت با روش عموم مؤمنان در این شب‌ها سازگاری ندارد، چه رسد به شخص پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که اساس دین و ایمان به‌شمار می‌رود و عموم مسلمانان در گفتار و کردار خویش به آن حضرت اقتدا می‌کنند. (نجفی، ۱۳۶۵ش: ۳۵/۱ و ۲۳۸/۱۶) آیا می‌توان پذیرفت که بر پایه روایات منقول از طریق شیعه و اهل سنت، آن حضرت دیگران را به طهارت داشتن مداوم در شب و روز و حتی هنگام خوابیدن ترغیب کنند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۳۸۳/۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۴/۹) ولی خود از انجام این عمل اجتناب نمایند؟ بنابراین، سیره یادشده با منصب نبوت منافات دارد، به‌ویژه این که برخی از روایات یادشده، اشعار دارد که آن حضرت مداومت بر این عمل داشته است. (نجفی، ۱۳۶۵ش: ۳۵/۱)

ثانیاً: بقای بر جنابت و تأخیر غسل از سوی آن حضرت با وجوب تهجد بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز منافات دارد، زیرا در برخی از این روایات نقل شده است که آن حضرت در ابتدای شب جنب می‌شد و غسل را تا پایان شب و بعد از طلوع فجر به تأخیر می‌انداخت. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۵۷/۱۰-۵۸)

ثالثاً: لازمه تأخیر غسل تا بعد از طلوع فجر آن است که فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت از دست برود، افزون بر اینکه این عمل سبب فوت فضیلت نماز اول وقت مسلمانان دیگر نیز می‌شود، زیرا آن حضرت امامت نماز جماعت صبح را بر عهده داشته است. (آملی، ۱۳۸۱ق: ۱۲۹/۴)

رابعاً: افزون بر این، روایات صادر شده از اهل بیت علیهم‌السلام در این باره به جهت تقیه صادر شده است. مؤید این امر آن است که از یک سو حضرت در پایان روایت نخست می‌فرماید: من همانند این اقشاب (انسانهای بی‌خیر) فتوانمی‌دهم که باید یک روز قضای آن را بجا آورد «ولا أقول كما يقول هؤلاء الأقباب يقضى يوماً مكانه» و در روایت دوم سیره یاد شده از پیامبر به نقل از عایشه نقل شده است که نشان دهنده عدم تأیید آن از سوی اهل بیت علیهم‌السلام است «قالت عائشة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله أصبح جنباً من جماع». (بحرانی، بی‌تا: ۱۱۹/۱۳؛ نجفی، ۱۳۶۵ش: ۲۳۸)

۳-۴. نقد استدلال به روایات اهل بیت علیهم‌السلام

روایات یاد شده نیز در این مورد به دلایل ذیل قابل پذیرش نیست:

اولاً: روایت اول و سوم صراحت در این امر ندارد که تأخیر انداختن غسل عمدی بوده است، زیرا احتمال دارد به سبب عذری غسل را به تأخیر انداخته است و یا مکلف پس از خوابیدن قصد بیدار شدن داشته است، ولی بیدار نشده است و جواب امام ناظر به این صورت‌ها بوده است. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۵۵/۶)

ثانیاً: روایت دوم منقول از امام رضا علیه‌السلام نیز حمل بر تقیه می‌شود. مؤید این امر، استشهاد امام رضا علیه‌السلام به سخن امام صادق علیه‌السلام است که آن حضرت این سیره را به نقل از عایشه از رسول خدا صلى الله عليه وآله حکایت کرده است که این خود نشان دهنده عدم تأیید آن از سوی اهل بیت علیهم‌السلام است. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۵۵/۶؛ نجفی، ۱۳۶۵ش: ۲۳۷/۱۶-۲۳۸)

ثالثاً: احتمال دارد مراد از طلوع فجر در این روایات، فجر کاذب بوده است، در این صورت این روایات دلالتی بر مدعای یاد شده ندارد. (نجفی، ۱۳۶۵ش: ۲۳۷/۱۶-۲۳۸)

رابعاً: بر فرض دلالت این روایات و وارد نبودن ایرادات یاد شده، این روایات با احادیث متعدد و مستفیض دیگر منقول از اهل بیت علیهم‌السلام که در آن‌ها باقی بودن بر جنابت، حرام و باطل کننده روزه دانسته شده، منافات دارد و در تعارض میان این دو دسته روایات، ترجیح با روایات دسته دوم است که در ادامه به این روایات اشاره می‌شود.

۵. ادله دیدگاه برگزیده

برای اثبات دیدگاه برگزیده، افزون بر روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام که پیروان دیدگاه مشهور به آن‌ها استناد کرده‌اند، به دلایل دیگری از جمله آیات قرآن و روایات منقول از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌توان استناد کرد که مجموع این دلایل به شرح ذیل است:

۱-۵. قرائن موجود در آیه ۱۸۷ بقره

عمده‌ترین دلیل پیروان دیدگاه نخست بر اثبات جواز بقای بر جنابت تا طلوع فجر، استدلال به ظاهر آیه ۱۸۷ سوره بقره بود که استدلال آن‌ها به این آیه پاسخ داده شد و اثبات گردید که فقرات مورد استناد در آیه یادشده، ادعای پیروان این دیدگاه را ثابت نمی‌کند؛ لیکن در بررسی و تدبیر بیشتر در این آیه این نتیجه حاصل می‌شود که افزون بر نفی برداشت یادشده، در این آیه، قرائن و شواهد دیگری وجود دارد که می‌توان از آن‌ها حرمت بقای بر جنابت تا طلوع فجر را استفاده کرد. این قرائن عبارتند از:

۱-۵. امر به اتمام روزه در آیه: از جمله قرائن یادشده، امر به اتمام روزه در این آیه از طلوع فجر تا فرارسیدن شب است: «ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ...» «سپس روزه را کامل کنید تا شب».

بر پایه روایات اهل بیت علیهم‌السلام و کلمات مفسران، مراد از اتمام عمل در آیه یادشده و برخی آیات دیگر آن است که آن عمل با همه آداب و شرائط لازم بجا آورده شود و از آنچه منافات با آن عمل دارد اجتناب گردد. از جمله روایات منقول در این باره، حدیثی از زراره و محمد بن مسلم است که در آن آمده است:

«سألناهما عن قوله تعالى: ﴿وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره: ۱۹۶) قالوا: تمام الحج والعمرة أن لا يرفث ولا يفسق ولا يجادل؛ از امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام از تفسیر سخن خداوند که می‌فرماید: «حج و عمره را برای خدا تمام کنید» پرسیدیم: آن دو امام فرمودند: تمام کردن حج و عمره آن است که حج گزار از مقاربت و دروغ و جدال اجتناب کند». (حر عاملی، ۳۱۶/۱۴: ۱۴)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام نیز در تفسیر آیه یادشده آمده است: «قال: یعنی بتمامهما أداءهما و اتقاء ما يتقى المحرم فيهما؛ مراد از تمام کردن حج و عمره ادای این دو عمل و اجتناب آنچه محرم باید از آن اجتناب کند می‌باشد». (همان، ۸-۷/۱۱)

در این دو روایت مراد از اتمام حج، انجام و کامل کردن حج همراه با اجتناب از محرّمات و مبطلات حج دانسته شده است. از این رو بر پایه تفسیر یادشده در این دو روایت، مراد از اتمام روزه در جمله: «ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» نیز انجام روزه و اجتناب از مفطرات و مبطلات روزه است که از جمله مفطرات، بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر و سپری کردن بخشی از روز در حال جنابت است، زیرا همین واژه در آیه‌ای دیگر از قرآن، یعنی آیه ۱۹۶ سوره بقره به همین معنا تفسیر شده است.

در صورتی که اشکال شود که اهل بیت علیهم‌السلام واژه «اتَمُّوا» را در آیه ۱۹۶ بقره به این معنا تفسیر کرده‌اند و نه در آیه ۱۸۷ این سوره، از این رو دلیلی بر برداشت این معنا از آیه مورد بحث وجود ندارد که در پاسخ می‌گوییم: یکی از شیوه‌های تفسیر قرآن کریم که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد تأیید قرار گرفته است و در موارد متعدد نیز به گونه عملی این تفسیر انجام گرفته، تفسیر قرآن به قرآن است. به عنوان نمونه: در روایتی از امام صادق علیه‌السلام از تفسیر فسوق در آیه: «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۷) سؤال شد که حضرت مراد از فسوق در این آیه را دروغ دانست، زیرا همین واژه در آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...» (حجرات: ۶) به معنای دروغ به کار رفته است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۲/۴۶۷) بنابراین، مورد یادشده نیز از مصادیق تفسیر قرآن به قرآن است که می‌توان معنای اتمام روزه در آیه مورد بحث را از تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام در آیه ۱۹۶ بقره به دست آورد.

برخی مفسران و فقیهان اهل سنت و امامیه نیز در تفسیر آیات مورد بحث به این معنای «اتمام» اشاره کرده‌اند. از جمله فخر رازی در تفسیر این واژه ذیل آیه ۱۹۶ سوره بقره آورده است که گاه مراد از اتمام عمل، انجام آن به گونه تمام و کامل است. سپس برای تأیید سخن خود نخست به آیه: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (بقره: ۱۲۴) استشهاد می‌کند که اتمام در این آیه به معنای انجام عمل به گونه کامل و تمام است، زیرا آن حضرت امتحان خود را به طور کامل انجام داد. سپس آیه: «ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» را به عنوان مؤید سخن خود ذکر می‌کند که مراد از اتمام روزه در این آیه، انجام روزه کامل است «فافعلوا الصيام تاماً إلى الليل». (فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ۵/۱۵۳) برخی از مفسران و فقیهان امامیه نیز در تفسیر «اتمام» در آیه ۱۹۶ بقره، با استشهاد به دو آیه یادشده، به همین مضمون نقل شده از فخر رازی با اندکی تفاوت اشاره کرده‌اند. (سبحانی، ۱۴۲۳ق: ۱/۴۳۳)

علامه مجلسی نیز در تفسیر آیه مورد بحث می‌نویسد:

«معنای آیه: ﴿أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾؛ «روزه را تمام کنید» آن است که آن را به‌طور کامل انجام دهید، همانند سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ حج و عمره را برای خدا تمام کنید» و سپس برای تأیید این معنا می‌گوید: از آنجا که خداوند قبل از امر به اتمام روزه، با تعبیر: «كَيْلَةَ الصِّيَامِ» در آیه، به روزه گرفتن فرمان داده است، نیازی به فرمان دوباره به انجام این عمل نبوده است، از این رو با امر به اتمام روزه، مؤمنان را به انجام کامل و بدون نقص روزه فرمان داده است و نه اصل انجام روزه». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۳/۸۰)

۱-۲. امر به روزه اصطلاحی گرفتن: قرینه دوم مؤید این دیدگاه در آیه یادشده، کاربرد واژه «الصيام» در این آیه است: ﴿وَأَتِمُّوا الصِّيَامَ﴾ با این استدلال که مراد از «صيام» به یقین معنای لغوی این واژه که مطلق امساک از خوردن، آشامیدن، سخن گفتن و مانند آن‌ها (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۵۰۰) نیست؛ بلکه مراد از آن معنای اصطلاحی این واژه است که در اصطلاح شرع، به معنای امساک از اشیاء مخصوص با آداب و شرائط لازم و اجتناب از همه مفطرات آن است. از جمله شیخ طوسی در تعریف اصطلاحی روزه آن را به معنای امساک از اشیاء مخصوص، همچون: خوردن، آشامیدن، فرو رفتن در آب، دروغ بستن بر خدا و رسول و ارتکاب هر عملی که روزه را فاسد می‌کند در زمان خاص دانسته است. (طوسی، بی تا: ۱۴۸) میرزای قمی نیز ماهیت روزه را امساک از اموری خاص و معین شمرده است که از جمله آن‌ها بقای عمدی بر جنابت است. (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۵)

براین اساس، مراد از «صيام» در آیه مورد بحث، عملی است که مکلف می‌بایست آن را با آداب و شرائط لازم بجا آورد و از جمله آداب و شرائط لازم این عمل که در روایات متعدد منقول از رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام ذکر شده، آن است که ملکف به گونه عمدی تا طلوع فجر بر جنابت باقی نماند و در صورت جنابت، قبل از طلوع فجر با غسل خود را تطهیر نماید.

۲-۵. روایات منقول از پیامبر ﷺ

در برابر روایات منقول از رسول خدا ﷺ که در تأیید قول نخست به آن‌ها استناد شده بود، روایات دیگری از ابی هریره نقل شده است که دیدگاه دوم را تأیید می‌کند. از جمله در روایتی وی به نقل از رسول خدا ﷺ آورده است:

«من أصبح جنباً فلا یصوم؛ کسی که با جنابت صبح کند، نباید روزه بگیرد». (ابن حنبل، بی تا: ۲۴۸/۲)

این روایت با تعابیر دیگری نیز از ابی هریره نقل شده است، مانند:
«من أصبح جنباً فلا صوم له؛ کسی که با جنابت صبح کند روزه‌ای برای وی نیست». (همان، ۱۸۴/۶؛ نسائی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۷/۲)

این روایت در برخی منابع، از جمله موارد یادشده به صورت حدیث موقوف نقل شده است و همین امر سبب گردیده تا برخی پیروان دیدگاه نخست، روایت یادشده را فتوای ابی هریره قلمداد کنند که وی این فتوا را براساس شنیدن خبر از فضل بن عباس بیان کرده است، و پس از گذشت مدت زمانی، او با شنیدن خبر دیگری از عایشه، از این فتوا بازگشته است (شوکانی، ۱۹۷۳م: ۲۹۲/۴؛ العینی، بی تا: ۴/۱۱) در حالی که روایت یادشده در منابع متعدد دیگر به نقل از رسول خدا ﷺ و به گونه مسند نقل شده است. از جمله بخاری، نخست روایتی از عایشه را در مورد صحیح بودن بقای بر جنابت تا طلوع فجر ذکر کرده و سپس به این روایت اشاره کرده و می نویسد:

«از ابی هریره نقل شده است که گوید: پیامبر ﷺ شخص باقی بر جنابت تا طلوع فجر را به افطار روزه فرمان می داد، ولی روایت نخست مسندتر است». (بخاری، ۱۴۰۱ق: ۲۳۳/۲)
در نقلی دیگر وی گوید: «رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه اذان نماز صبح گفته شد و کسی از شما جنب بود، نباید با این حالت روزه بگیرد». (ابن حنبل، بی تا: ۳۱۴/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق: ۲۲۹/۱)

برخی عالمان اهل سنت در مورد سند این حدیث گفته اند: «سند حدیث یادشده بر پایه شرائط شیخین (بخاری و مسلم) سند نیکویی است». (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق: ۲۲۹/۱)
در نقلی دیگر از سوگند ابی هریره بر صدور این روایت از رسول خدا ﷺ یاد شده و آمده است: «به خدای کعبه سوگند، من از جانب خود نگفته‌ام کسی که با جنابت صبح کند، نباید روزه بگیرد؛ بلکه به پروردگار کعبه سوگند که رسول خدا ﷺ آن را گفته است». (ابن حنبل، بی تا: ۲۴۸/۲؛ ابن ماجه، بی تا: ۵۴۳/۱)

سند این روایت نیز از سوی محدثان اهل سنت صحیح شمرده است: «اسناد صحیح». (ابن ماجه، بی تا: ۵۴۳/۱)

براین اساس، این روایت نیز بر بطلان روزه در صورت بقای روزه‌دار بر جنابت تا طلوع فجر دلالت دارد (حلی، ۱۴۱۴ق: ۲۶/۶) همچنین برخی از تابعان و عالمان اهل سنت نیز براساس روایت یادشده، روزه شخص مکلف را در صورت تأخیر غسل تا بعد از طلوع فجر ماه رمضان باطل دانسته‌اند. (ر.ک: نووی، بی تا: ۳۰۷/۶-۳۰۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۴ق: ۳۶۹/۱؛ شوکانی، ۱۹۷۳م: ۲۹۱/۴)

روایت یادشده از نظر سند با روایات منقول از رسول خدا ﷺ در تأیید دیدگاه نخست در یک رتبه قرار دارد، زیرا هر دو دسته روایت، صحیح شمرده شده است، لیکن این روایت به جهات متعدد دیگر - از جمله موافقت با سیره عملی و قولی رسول خدا ﷺ در مورد طهارت دائم داشتن و موافقت با روایات صحیح منقول از اهل بیت ﷺ در این باره - بر روایات موید قول نخست ترجیح دارد و مضمون آن پذیرفته می‌شود.

۳-۵. روایات منقول از اهل بیت ﷺ

دلیل دیگر بر اثبات دیدگاه برگزیده، روایات صحیح و پرشمار منقول از اهل بیت ﷺ است که بر پایه روایات متعدد از معادن علوم قرآن و مفسران حقیقی قرآن کریم به شمار می‌روند (کلینی، ۱۳۶۷ش؛ ۲۲۸/۱-۲۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۶/۲۷-۱۸۱) و در روایات متعدد بیان کرده‌اند که سخنان صادر شده از آنان سخن رسول خدا ﷺ و قول خداوند عز و جل است. (کلینی، ۱۳۶۷ش: ۵۳/۱، ۶۰) از جمله روایات یادشده، صحیح معاویه بن عمار است که می‌گوید:

«به امام صادق ﷺ گفتم: مردی در ابتدای شب‌های ماه رمضان جنب می‌شود، ولی پس از آن تا صبح عمداً می‌خوابد. امام فرمود: چیزی بر او نیست. گفتم: او پس از خوابیدن بیدار شده و دوباره تا صبح خوابیده است، آیا تکلیفی ندارد؟ حضرت فرمود: روزه آن روز را به عنوان عقوبت باید قضا کند.» (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۲/۴)

در روایت صحیح دیگری از ابی‌یعفور به نقل از امام صادق ﷺ نیز آمده است: «مردی در ماه رمضان جنب می‌شود، سپس بیدار شده و دوباره می‌خوابد و سپس بیدار می‌شود و در پی آن تا صبح می‌خوابد، وظیفه‌اش چیست؟ حضرت فرمود: روزه آن روز را تمام کرده و قضای آن روز را بجا می‌آورد و اگر پس از خوابیدن تا صبح بیدار نشده است روزه‌اش را تمام کرده و همان روزه جایز و صحیح است.» (صدوق، بی تا: ۱۲۰/۲)

روایت سوم، صحیح‌ه حلبی از امام صادق علیه السلام است که در آن آمده است: «امام صادق علیه السلام در مورد مردی که در ابتدای شب‌های ماه رمضان محتلم شده یا با همسرش مقاربت کرده و سپس به عمد تا صبح خوابیده است فرمود: روزه آن روز را تمام کرده و سپس قضای آن را بجا بیاورد». (کلینی، ۱۳۶۷: ش: ۶۷/۴)

روایت دیگر، موثقه سماعه بن مهران است که می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که در شبی از ماه رمضان جنب شده و سپس خوابیده و تا طلوع فجر بیدار نشده سؤال کردم. حضرت فرمود: وظیفه‌اش آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را بجا آورد، به آن حضرت گفتم: اگر این عمل از فرد یادشده در روزه قضای ماه رمضان رخ دهد تکلیف چیست؟ حضرت فرمود: در آن روز باید بخورد و سپس آن را قضا کند، زیرا هیچ یک از ماه‌ها همانند ماه رمضان نیست». (طوسی، ۱۳۶۵: ش: ۲۱۱/۴)

روایات یادشده بخشی از روایات پرشماری است که در این موضوع از اهل بیت علیهم السلام وارد شده و به صراحت دلالت دارند بر این که بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر از سوی روزه‌دار جایز نیست و در صورت ارتکاب این عمل، روزه‌اش باطل بوده و مکلف باید قضای آن روز را بجا آورد. (بحرانی، بی‌تا: ۱۱۳/۱۳؛ نجفی، ۱۳۶۵: ش: ۲۳۶/۱۶)

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این پژوهش این نتیجه به دست می‌آید که در ارتباط با تفسیر آیه ۱۸۷ سوره بقره نسبت به بقای بر جنابت تا طلوع فجر دو دیدگاه عمده در میان مفسران و فقیهان شیعه و اهل سنت وجود دارد. عموم مفسران و فقیهان اهل سنت و برخی مفسران و فقیهان امامیه بر پایه اطلاق آیه یادشده و نیز غایت بودن جمله: «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ...» برای جمله: «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» در آن و برخی روایات، مقاربت در همه اجزای شب‌های ماه رمضان و بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر را در این شب‌ها جایز دانسته‌اند، اما در برابر، مشهور فقیهان امامیه و برخی از عالمان اهل سنت، با استناد به برخی روایات منقول رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، مقاربت در جزء اخیر شب‌های یادشده را جایز ندانسته و بر آنند که بقای بر جنابت تا طلوع فجر جایز نیست. دیدگاه صحیح و برگزیده در این موضوع، دیدگاه اخیر است؛ زیرا از یک سو، ادله ارائه شده برای دیدگاه نخست، از جمله ظاهر آیه ۱۸۷ سوره بقره این دیدگاه را اثبات نمی‌کند و از همه این دلایل پاسخ داده

شد و از سوی دیگر ادله متعددی بر اثبات دیدگاه دوم وجود دارد، مانند: شواهد و قرائن موجود در همین آیه، همچون امر به اتمام روزه در آیه: «اتِمُّوا الصِّيَامَ...» که مراد از آن روزه کامل است و به کار رفتن تعبیر «الصيام» در آن که در شرع بر روزه با آداب و شرائط اطلاق شده است و نیز روایات دیگر منقول از رسول خدا ﷺ که به جهت وجود مرجحات متعدد بر روایات مؤید قول نخست، ترجیح دارد و روایات صحیح و پرشمار مفسران واقعی قرآن، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که در آنها از عدم جواز بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر سخن به میان آمده است. براین اساس، باقی ماندن عمدی روزه‌دار بر جنابت تا طلوع فجر، عملی حرام و باطل کننده روزه است.

منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن حنبل، احمد، (بی تا)، مسند احمد، بیروت: دارالصادر.
 ۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
 ۳. ابن قدامه، عبدالله، (بی تا)، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی.
 ۴. ابن منظور، محمد، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزة.
 ۵. اردبیلی، احمد بن محمد، (بی تا)، زیادة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية
 ۶. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۳ق)، کتاب الصوم، قم: موتمر العالمی بمناسبة ذكرى المئويه الثانيه لميلاد الشيخ الانصاری.
 ۷. آملی، محمد تقی، (۱۳۸۱ق)، مصباح الهدی، بی جا: بی نا.
 ۸. بحرانی، سید هاشم، (بی تا)، الحدائق الناضره، تحقیق: محمد تقی ایروانی، قم: موسسه نشر اسلامی.
 ۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
 ۱۰. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵ش)، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
 ۱۲. حر عاملی، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، تحقیق: موسسه آل البيت، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، دوم.
 ۱۳. راغب اصفهانی، (۱۴۲۷ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، قم: طلعه نور، دوم.
 ۱۴. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۳ق)، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، قم: موسسه امام صادق.
 ۱۵. سرخسی، شمس الدین، (بی تا)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۶. سیوری، مقداد بن عبدالله، (۱۳۸۴ق)، کنز العرفان، تحقیق: محمد باقر شریف زاده، تهران: المكتبة المرتضوية.
 ۱۷. سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، الدر المنثور، بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۸. شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۲ش)، فرهنگ فقه، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
 ۱۹. شوکانی، محمد بن علی، (۱۹۷۳م)، نیل الاوطار، بیروت: دارالجیل.

۲۰. صدوق، محمد بن بابویه، (۱۴۱۵ق)، المقنع، تحقیق: لجنة التحقیق، قم: موسسه امام هادی.
۲۱. _____ (بی تا)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق)، جامع البیان، تحقیق: شیخ خلیل میس، بیروت: دارالفکر.
۲۳. طوسی، محمد، (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن موسوی الخراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۴. _____ (بی تا)، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، قم: انتشارات قدس.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، تحقیق: موسسه آل البيت، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۶. حلی، یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه، قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۷. عاملی، سید محمد، (۱۴۱۰ق)، مدارک الاحکام، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۸. فتح الله، احمد، (۱۴۱۵ق)، معجم الفاظ الفقه الجعفری، بی جا: الدمام.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۱۳ق)، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۷ق)، العین، چاپ دوم، بی جا: موسسه دارالهجره.
۳۱. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵ق)، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق: احمد عبد العلیم البردونی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۲. قلجی، محمد، (۱۴۰۸ق)، معجم لغة الفقهاء، چاپ دوم، بیروت: دارالفنائس.
۳۳. کاشانی، ابی بکر، (۱۴۰۹ق)، بدائع الصنائع، پاکستان: المكتبة الحبیبه.
۳۴. کاظمی، جواد، (بی تا)، مسالك الافهام، تحقیق: محمد تقی کشفی، بی جا: بی نا.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷ش)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. متقی هندی، علی، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۸. میرزای قمی، ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، غنائم الايام، تحقیق: عباس تبریزیان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۳۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۵ش)، جواهرالکلام، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۴۰. نسائی، احمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، السنن الکبری، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۱. نووی، محی الدین، (بی تا)، المجموع، بیروت: دارالفکر.
۴۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح المسلم، بیروت: دارالفکر.